

## تأثیر تقصیر عمدی یا سنگین در شرط عدم مسئولیت

سید حسین صفائی\*

### مشخصات رأی<sup>۱</sup>

خواهان: شرکت ج.

خوانده: م.ب.

موضوع خواسته: مطالبه خسارات ناشی از نقض قرارداد  
مرجع رسیدگی: دادرس شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

### رأی دادگاه بدوی

در خصوص دعوی خواهان شرکت (ج. پ.) با مدیریت آقای (ع.) با وکالت آقای (م. ب.) به طرفیت خواننده آقای (م. ح. ب.) با وکالت آقایان ۱- (م. ب.)، ۲- (ح. ح. پ.) به خواسته مطالبه مبلغ (۶/۵۴۵/۶۰۸/۶۳۰) ریال خسارت وارده با احتساب خسارت قانونی از جمله هزینه دادرسی به اضافه هزینه کارشناسی و حق الوکاله وکیل به شرح خواسته با این توضیح که وکیل خواهان اظهار داشته موکل که در امر واردات و توزیع قطعات یدکی خودرو، فعالیت می نماید برای نگهداری و دیو قطعات یدکی وارداتی خود یک باب انباری از مجموعه انبارهای خواننده را برای مدت یک سال اجاره نموده و بالغ بر ارزش مبلغ خواسته قطعات یدکی را در انبار دیو نموده ولی متأسفانه علی رغم تعهدات خواننده در خصوص حفظ و حراست از انبار در ساعت حدود ۱۲ ظهر روز جمعه مورخه ۱۳۸۸/۹/۲۰ به علت سهل انگاری خواننده در انجام عملیات جوشکاری در انبار مجاور انبار موکل آتش سوزی شروع و به انبار مورد اجاره موکل، سرایت می نماید و تقریباً تمامی قطعات یدکی موجود در آن یا به کلی سوخته و یا به گونه ای منهدم شده که از حیز انتفاع خارج شده است، لذا با تقدیم این دادخواست صدور حکم بر خواسته را از محضر دادگاه درخواست نموده است؛ وکلای خواننده در اولین جلسه دادرسی در مقام دفاع

\* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (بازنشسته) و استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. رایانامه: hsafaii@ut.ac.ir

۱. رجوع شود به: مجموعه آرای قضایی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران (شهریور ۱۳۹۱)، چاپ اول، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶.

بیان داشته‌اند وکیل خواهان علت حادثه را جوشکاری در انبار مجاور سالن حادثه دیده اعلام داشته، ایجاب می‌نماید در این گونه دعاوی مسئولیت و هم علل ورود خسارت اثبات گردد. در ادامه وکلای خواننده از دادگاه درخواست اعمال بند ۲ ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به اخذ تأمین مناسب از خواهان را نمودند ضمناً به سمت و اختیار خواهان در طرح دعوی ایراد وارد نمودند که دادگاه نسبت به اخذ تأمین و ایراد وارده به شرح صفحه ۳۲ پرونده مستنداً اظهار نظر نمود. در جلسه دادگاه وکلای خواننده در مقام دفاع اظهار داشته طبق دادخواست حاضر و نحوه انشای وکیل خواهان علت ورود حادثه و خسارت آتش سوزی بر اثر عملیات جوشکاری می‌باشد که این عملیات ناشی از فعل انسان بوده و این فعل حسب ادعا و مدارک تقدیمی توسط شخص ثالث در یک انبار مستقل صورت گرفته است و فعل انجام شده هیچ‌گونه ارتباطی به موکل ندارد. چه از باب مستقیم و چه غیر مستقیم. دادگاه حسب درخواست وکلای خواننده، قرار ارجاع امر به کارشناس رسمی دادگستری را جهت احراز رابطه سببیت بین آتش سوزی و تقصیر خواننده اعم از فعل یا ترک فعل و کیفیت عمل جوشکاری و رعایت یا عدم رعایت جوانب امر و نحوه مداخله سبب یا اسباب متصور در قضیه صادر نموده پس از پرداخت هزینه کارشناسی اجرای قرار به نحو کامل صورت گرفته، کارشناس منتخب به شرح مبسوط مندرج در صفحه ۵۰ پرونده نظریه خود را ابراز می‌دارد. در این نظریه کارشناس محترم کلی‌گویی نموده و به نوعی علت حادثه را سهل‌انگاری از ناحیه خواننده و تقصیر مستأجر انبار شماره ۳۰ آقای (ک. ر.) اعلام می‌نماید. دادگاه از کارشناس می‌خواهد که منجزاً درجه تقصیر هریک از عوامل را تعیین نماید. که مشارالیه طی نظریه تکمیلی خود به شرح صفحه ۷۴ پرونده، درجه تقصیر خواننده و مستأجر انبار شماره ۳۰ را به صورت شفاف اعلام می‌دارد. در اثر اعتراض، دادگاه موضوع را [به] هیئت کارشناسی (سه نفره) ارجاع داده. دو نفر از اعضای هیئت درجه تقصیر خواننده را در وقوع حادثه و خسارت ۵۰٪ اعلام می‌نماید. و عضو سوم هیئت مشارالیه را ۱۵٪ مقصر می‌شناسد. که با ملاک قراردادن اکثریت عددی نظریه، مبتنی بر پنجاه درصد تقصیر خواننده، مبنای دادگاه برای اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرد. توضیحاً اینکه در هیچ‌یک از جلسات دادرسی از سوی خواننده یا وکلای انتخابی به آن قسمت از نظریه کارشناس بدوی ناظر به تعیین میزان خسارت وارده اعتراضی به عمل نیامده و میزان خسارت مصون از تعرض باقی مانده است، علی‌ای حال، دادگاه توجهاً به مراتب فوق و بنا به دلایل ذیل، دعوی خواهان را به میزان مسئولیت خواننده در وقوع حادثه وارد و ثابت می‌داند. به دلالت ادله ابرازی خواهان مشتمل بر تصویر مصدق کارشناس رسمی اولیه و گزارش آتش نشانی و عدم انکار اصل آتش سوزی در انبار تحت اجاره خواهان توسط خواننده، وقوع حادثه زیان‌بار در مانحن‌فیه محرز و مبرهن می‌باشد. و روابط حقوقی طرفین نیز مبتنی بر رابطه استیجاری بر عین مستأجره (یک باب انبار) برقرار بوده است. شرایط و ارکان مسئولیت (وجود ضرر - ارتکاب فعل زیان‌بار یا ترک فعل که موجبات زیان را فراهم نماید و رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل زیان‌بار با ضرر حادثه می‌باشد) و از شرایط ضرر قابل مطالبه مسلم بودن و جبران نشدن آن بوده که در مانحن‌فیه تمامی موارد

موصوف محقق گردیده و تاکنون اقدامی برای جبران ضرر خواهان صورت نگرفته است. در متن قرارداد فی مابین اصحاب پرونده همانطوری که وکلای خواننده نیز به آن اشاره نموده، شرطی با مفهوم عدم مسئولیت برای موجر علی‌الخصوص در مواقع حریق و آتش سوزی قید گردیده، ولی به نظر این دادگاه، استناد خواننده به این شرط در قبال ادعای خسارت خواهان، نمی‌تواند موجه و مؤثر در مقام باشد؛ زیرا شرط عدم مسئولیت زمانی است که تقصیر عمدی یا در حکم عمدی مرتکب در قضیه دخیل نباشد، در حالی که به دلالت نظرات کارشناسی علی‌الخصوص هیئت سه نفره از کارشناسان رسمی دادگستری، خواننده به جهت سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی و پیشگیری از حریق به وجود آمده به میزان پنجاه درصد در وقوع حادثه مقصر بوده و انجام ندادن تکالیف قانونی و تعهدات مصرحه یا ضمنی قرارداد خود تقصیر محسوب می‌گردد. علی‌الخصوص که در مشاغلی مثل انبارداری، ضرورت رعایت مقررات ایمنی و اقدامات پیشگیری کننده از سوی مالک یا موجر برجسته بوده و مراقبت و دقت مضاعفی را ایجاب می‌نماید. آنچه مسلم است خواننده در اجتماع با اسباب دیگر برای اتلاف اموال خواهان از طریق تسبیب که شرط آن تقصیر بوده به نوعی مقدمه‌سازی نموده و موجبات ایجاد آتش سوزی و حریق و اتلاف اموال موجود در انبار را فراهم نموده است و استناد وکلای خواننده به سببیت عوامل دیگر، نمی‌تواند رافع مسئولیت خواننده به عنوان یکی از اسباب مؤثر در قضیه باشد. چرا که عمل خواننده در خودداری از رعایت مقررات ایمنی به نوعی از مصادیق تقصیر شغلی بوده و سبب عرفی بین این تقصیر و ارتکاب فعل زیان‌بار (آتش سوزی) موجود می‌باشد؛ لذا دادگاه با وارد دانستن دعوی خواهان و مؤثر نبودن دفاعیات وکلای خواننده و عدم مابینت نظریه هیئت کارشناسان در تعیین علت حادثه و نظر کارشناس بدوی در تعیین خسارت وارده به خواهان مستنداً به قاعدتین فقهی «تسبیب» و «الاضرر» و مفهوم مواد ۱۴ از قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۳۱ از قانون مدنی و مواد ۱۹۸، ۵۱۵ و ۵۱۹ از قانون مدنی، حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت پنجاه درصد از خسارت وارده به خواهان وفق نظریه کارشناس اولیه (۵۰ درصد از مبلغ ۴/۵۴۵/۶۰۸/۶۳۰ ریال) و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه کارشناسی طبق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. و نسبت به قسمت دیگر خواسته مازاد بر نظریه کارشناس دادگاه به جهت عدم استحقاق خواهان، حکم بر بی‌حقی وی صادر می‌نماید. رأی صادره حضوری بوده، ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر استان تهران می‌باشد.

مشخصات رأی

شماره دادنامه شعبه تجدیدنظر: ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۰۱۰۰۷۳۱ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۰  
تجدید نظر خواه: آقای (م.ب.)  
تجدید نظر خوانده: شرکت ج.  
مرجع رسیدگی: شعبه ۵۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران

رأی دادگاه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواهی آقای (م.ح.ب.) به طرفیت شرکت (ج.پ.) از دادنامه شماره ۰۰۹۵۱ مورخ ۹۰/۱۲/۲۳ شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن دعوی تجدیدنظرخواه به خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر منتهی به قرار رد دعوا شده وارد و موجه نیست، زیرا دادنامه تجدیدنظرخواسته وفق مقررات و براساس مستندات پرونده صادر شده و از ناحیه تجدیدنظرخواه علل و جهات موجهی که موجب نقض و بی اعتباری دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم کند، مطرح نشده است. درخواست تجدیدنظر منطبق با جهات مذکور در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیست، لذا با رد تجدید نظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته به استناد ماده ۳۵۳ قانون مرقوم، تأیید و استوار می شود. این رأی قطعی است.

## مقدمه

دادخواستی توسط وکیل شرکت ج. علیه آقای م.ب به خواسته مبلغ ۴، ۵۴۵، ۶۰۸، ۶۳۰ ریال بابت خسارات ناشی از نقض قرارداد به دادگاه عمومی حقوقی تهران تقدیم می‌گردد، با این توضیح که موکل که در امر واردات و توزیع قطعات یدکی خودرو فعالیت می‌نماید و برای نگهداری و دپوی قطعات یدکی وارداتی خود یک باب انباری از مجموعه انبارهای خواننده را برای مدت یک سال اجاره نموده و به میزان مبلغ خواسته، قطعات یدکی را در انبار مزبور دپو کرده، و علی‌رغم تعهدات خواننده به حفظ و حراست از انبار، در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۰ به علت سهل‌انگاری خواننده و عملیات جوشکاری در انبار مجاور آتش‌سوزی روی داده و به انبار مورد اجاره موکل سرایت نموده و تقریباً تمامی قطعات موجود در آن یا به کل سوخته یا از حیث ارتفاع خارج شده است. وکلای خواننده در مقام دفاع اظهار داشته‌اند که طبق اعلام وکیل خواهان، علت وقوع حادثه، جوشکاری در انبار مجاور بوده و آتش‌سوزی بر اثر جوشکاری، که ناشی از فعل شخص ثالث در یک انبار مستقل صورت گرفته، روی داده است و فعل انجام شده هیچ‌گونه ارتباطی به موکل (خواننده) به طور مستقیم یا غیر مستقیم ندارد.

دادگاه، حسب درخواست وکلای خواننده، قرار ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری جهت احراز رابطه سببیت بین آتش‌سوزی و تقصیر خواننده و کیفیت عمل جوشکاری و نحوه مداخله سببیت یا اسباب متصور در قضیه صادر نموده و کارشناس منتخب در نظریه خود به نوعی علت حادثه را سهل‌انگاری خواننده و تقصیر مستأجر انبار مجاور اعلام می‌نماید. سپس دادگاه از کارشناس می‌خواهد که منجزاً درجه تقصیر هر یک از عوامل را تعیین نماید که مشارالیه طی نظریه تکمیلی خود درجه تقصیر خواننده و مستأجر انبار مجاور را به صورت شفاف تعیین می‌نماید. بر اثر اعتراض، موضوع به هیأت کارشناسی سه نفره ارجاع می‌شود. دو نفر از اعضای هیأت، درجه تقصیر خواننده را در وقوع حادثه و خسارت ۵۰٪ و یک نفر ۱۵٪ اعلام می‌نماید که با توجه به نظریه اکثر کارشناسان میزان ۵۰٪ مبنای تقسیم دادگاه قرار می‌گیرد و دادگاه خواننده را به پرداخت ۵۰٪ خواسته و هزینه

دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه کارشناسی محکوم می‌نماید و نسبت به نصف دیگر خواسته، مازاد بر نظریه کارشناس حکم به بی‌حقی خواهان می‌دهد.

در توضیح ذکر دلایل رأی چنین آمده است: «... به دلالت ادله ابرازی خواهان مشتمل بر تصویر مصدق (نظریه) کارشناس رسمی اولیه و گزارش آتش‌نشانی و عدم انکار اصل آتش‌سوزی در انبار تحت اجاره خواهان توسط خواننده، وقوع حادثه زیان‌بار در مانحن‌فیه محرز و مبرم می‌باشد و روابط حقوقی طرفین نیز مبتنی بر رابطه استیجاری بر عین مستأجره (یک باب انبار) برقرار بوده است. شرایط و ارکان مسئولیت (وجود ضرر - ارتکاب فعل زیان‌بار یا ترک فعل که موجبات زیان را فراهم نماید و رابطه سببیت بین فعل و ترک فعل زیان‌بار می‌باشد.) و از شرایط ضرر، قابل مطالبه مسلم بودن و جبران نشدن آن بوده که در مانحن‌فیه تمامی موارد موصوف محقق گردیده و تاکنون اقدامی برای جبران ضرر خواهان صورت نگرفته است. در متن قرارداد فی‌مابین اصحاب پرونده همان‌طوری که وکلای خواننده نیز به آن اشاره نموده، شرطی با مفهوم عدم مسئولیت برای موجر، علی‌الخصوص در مواقع حریق و آتش‌سوزی، قید گردیده و به نظر این دادگاه، استفاده خواننده به این شرط در قبال ادعای خسارت خواهان نمی‌تواند موجه و مؤثر در مقام باشد، زیرا عدم مسئولیت، زمانی است که مرتکب در قضیه دخیل نباشد؛ در حالی که به دلالت نظرات کارشناسی‌ها علی‌الخصوص هیأت سه نفره از کارشناس رسمی دادگستری، خواننده به جهت سهل‌انگاری و عدم رعایت مقررات ایمنی و پیشگیری از حریق به وجود آمده، به میزان ۵۰٪ در وقوع حادثه مقصر بوده و انجام ندادن تکالیف قانونی تعهدات مصرحه یا ضمنی قرارداد خود تقصیر محسوب می‌گردد، علی‌الخصوص که در مشاغلی مثل انبارداری ضرورت رعایت مقررات ایمنی و اقدامات پیشگیری‌کننده از سوی مالک یا موجر برجسته بوده و مراقبت و دقت مضاعفی را ایجاب می‌نماید. آنچه مسلم است خواننده در اجتماع با اسباب دیگر برای اتلاف اموال خواهان از طریق تسبیب که شرط آن تقصیر بوده، به نوعی مقدمه‌سازی نموده و موجبات ایجاد آتش‌سوزی و حریق و اتلاف اموال موجر در انبار را فراهم نموده است و استناد وکلای خواننده به سببیت عوامل دیگر نمی‌تواند رافع مسئولیت

خواننده به عنوان یکی از اسباب مؤثر در قضیه باشد، چراکه عمل خواننده در خودداری از رعایت مقررات ایمنی به نوعی از مصادیق تقصیر شغلی بوده و سببیت عرفی بین این تقصیر و ارتکاب فعل زیان‌بار (آتش سوزی) موجود می‌باشد. لذا دادگاه با وارد دانستن دعوی خواهان و مؤثر نبودن دفاعیات وکلای خواننده و عدم مبنای نظریه هیأت کارشناسان در تعیین علت حادثه و نظر کارشناس بدوی در تعیین خسارت وارده به خواهان مستنداً به قاعده فقهی تسبیب و لاضرر و مفهوم ماده ۱۴ از قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۳۱ از قانون مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به پرداخت ۵۰٪ از خسارت وارده به خواهان وفق نظریه کارشناس اولیه (۵۰٪ از مبلغ ۴،۵۴۵،۶۰۸،۶۳۰ ریال) و هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه کارشناس طبق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید و نسبت به قسمت دیگر خواسته مازاد بر نظریه کارشناس دادگاه به جهت عدم استحقاق خواهان حکم بر بی‌حقی وی صادر می‌نماید...»

قابل ذکر است که این حکم، حضوری و قابل تجدیدنظر بوده و به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۰۱۰۰۷۳۱ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۰ مورد تأیید شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان واقع می‌شود.

صرف‌نظر از پاره‌ای اشکالات ادبی و نگارشی که بر رأی شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران وارد است، از لحاظ حقوقی در رأی مزبور، دو مسأله قابل بحث مطرح شده است:

**الف - رابطه سببیت و تقسیم مسئولیت بین خواننده و شخص ثالث.**

**ب - شرط عدم مسئولیت و تأثیر تقصیر عمدی یا سنگین در آن.**

اینک به جا است این دو مسأله را مورد بررسی قرار دهیم.

**الف - رابطه سببیت و تقسیم مسئولیت**

#### **۱ - رابطه سببیت**

رابطه سببیت از ارکان مسئولیت مدنی اعم از قراردادی و قهری است؛ بدین معنی که باید ضرر، ناشی از فعل یا ترک فعل خواننده باشد و به عبارت دقیق‌تر باید رابطه سببیت عرفی

یا استناد عرفی بین ضرر و تقصیر با فعل مثبت یا منفی خواننده دعوی وجود داشته باشد تا زیان دیده در صورت تشخیص همه شرایط بتواند مطالبه خسارت کند.<sup>۱</sup>

در صورت مداخله اسباب متعدد باید شخص یا اشخاص مسئول را مشخص کرد؛ مثلاً در یک حادثه رانندگی که منجر به مرگ حادثه‌دیده می‌شود، ممکن است سبب‌های متعدد غیر از عامل اصلی حادثه مؤثر در مرگ باشند مانند تأخیر در رساندن مصدوم به بیمارستان، تقصیر متخصص بیهوشی، سهل‌انگاری جراح و .... در اینکه آیا همه اسباب یا برخی از آنها باید مسئول شناخته شوند و محکوم به جبران خسارت گردند بین علمای حقوق و رویه قضایی کشورها اختلاف است؛ نظریه‌ای که در حقوق ما بیشتر قابل قبول و با حقوق اسلامی نیز سازگارتر می‌باشد آن است که باید سبب اصلی یا متعارف را مسئول شناخت یعنی شخصی را که عرف، خسارت را به او مستند می‌کند و رابطه سببیت عرفی بر عمل او و خسارت وارده احراز می‌شود.<sup>۲</sup>

این قاعده مستفاد از مواد مختلف قانونی به ویژه ماده ۳۳۲ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب، اقوی باشد، به نحوی که عرفاً تلف مستند به او باشد.» البته تقصیر عامل مهمی در شناخت سبب اصلی یا متعارف است، بدین معنی که اگر در فرض، تأثیر دو یا چند نفر در این خسارت یکی مقصر و دیگری غیر مقصر باشد، خسارت به کسی نسبت داده می‌شود که مقصر بوده است، چنانچه ماده ۳۳۵ قانون مدنی به این امر تصریح کرده است.

شک نیست که سبب اصلی یا متعارف ممکن است متعدد باشد، یعنی ممکن است عرف، ضرر را به دو یا چند شخص نسبت دهد که در اینصورت همه آنها باید مسئول شناخته شوند. ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این قاعده تصریح کرده و

۱. برای بحث تفصیلی از رابطه سببیت رجوع شود به: دکتر سید حسین صفائی و دکتر حبیب‌اله رحیمی، مسئولیت

مدنی، چاپ پنجم، سمت، ۱۳۹۲، ش ۱۱۷ به بعد.

۲. همان، ش.



مقرر می‌دارد: «هرگاه دو یا چند عامل برخی به مباشرت و بعضی تسبیب در وقوع جنایاتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به همه عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت با اختیار جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد سبب ضامن است.» چنانکه مشاهده می‌شود این ماده ضمن اشاره به قاعده استناد یا رابطه سببیت عرفی مقرر می‌دارد که ممکن است خسارت مستند به چند عامل باشد که در این صورت همه آنها ضامن خواهند بود ماده ۵۲۹ قانون یاد شده نیز به قاعده استناد عرفی با عبارت زیر تصریح کرده است: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.»

در رأی مورد بحث، دادگاه بر اساس نظریه کارشناسی احراز کرده که دو عامل سبب ورود خسارت بوده است: یکی، تقصیر و سهل‌انگاری خوانده؛ که مقررات قانونی و قراردادی راجع ایمنی انبار مورد اجاره را نقض کرده است. دیگری، تقصیر مستأجر انبار مجاور که بر اثر جوشکاری و ایجاد آتش‌سوزی در خسارت وارده به خواهان مؤثر بوده است. بنابراین رأی مورد بحث در شناختن دو عامل برای خسارت و حکم به پرداخت بخشی از خسارت وارده به خواهان منطبق با موازین حقوقی است؛ اما در مورد نحوه تقسیم مسئولیت قابل ایراد است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲ - تقسیم مسئولیت

در زمینه تقسیم مسئولیت بین عاملین متعدد زیان، پس از احراز استناد عرفی ضرر به همه آنها مسأله نحوه تقسیم مسئولیت بین آنان مطرح می‌شود. در این خصوص نظریه‌های مختلف در دکترین و رویه قضایی کشورها مطرح شده است، مانند نظریه مسئولیت تضامنی

تقسیم مسئولیت به تساوی، تقسیم مسئولیت به نسبی شدت و ضعف تقصیر عاملین و تقسیم مسئولیت به نسبت میزان تاثیر عمل یا مداخله اشخاص در ایراد ضرر.<sup>۱</sup> در حقوق ایران نظریه‌ای که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پذیرفته شده بود نظریه تساوی بود، اعم از این که میزان تقصیر و درجه شدت و ضعف عمل یکسان باشد یا متفاوت. این قاعده از مواد ۳۳۶<sup>۲</sup> و ۳۶۵<sup>۳</sup> قانون پیشین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ استنباط می‌شد، وانگهی هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ در فرض تساوی دو وسیله نقلیه همین نظر را پذیرفته بود.

در این رأی مقرر شده است «بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی، هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر (به هر میزان که باشد) به نحو تساوی خواهد بود...»<sup>۴</sup> قابل ذکر است که این رأی مربوط به تصادم دو وسیله نقلیه است و خصوصیتی در دو وسیله نقلیه نیست بنابراین آنچه از اقوال فقهای امامیه و ماده ۳۶۵ قانون پیشین مجازات اسلامی بر می‌آید قاعده تقسیم به تساوی، یک قاعده عام است که در همه مواردی که دو یا چند نفر در ایراد زیان دخالت دارند و خسارت عرفاً مستند به همه آنان است، قابل اعمال می‌باشد.

۱. برای توضیح درباره نظریه‌های یاد شده، رش دکتر سید حسین صفایی، ضابطه تقسیم مسئولیت مدنی در فرض تصادم دو وسیله نقلیه - رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ و ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه رأی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲، ص ۳۱ به بعد.

۲. ماده ۳۳۶: هرگاه بر اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود، خواه آن دو وسیله نقلیه از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد، اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است...»

۳. ماده ۳۶۵: «هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارت شوند، به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.»

۴. برای متن کامل رأی و تحلیل عدم قابلیت اجرایی آن در زمان حاضر، رش. دکتر صفایی، مقاله پیشین، ص ۲۹ به بعد.

با توجه به مطالب فوق رأی شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران از جهات زیر قابل ایراد به نظر می‌رسد:

اولاً، از مفاد رأی چنین بر می‌آید که دادگاه نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت تأثیر عمل را برگزیده و به همین جهت از کارشناسان خواسته است که علاوه بر مشخص کردن عوامل مؤثر در حادثه، درصد تأثیر تقصیر هر یک از عوامل را در ایجاد حادثه مشخص کنند و بر اساس نظر کارشناسان، خواننده را به پرداخت ۵۰٪ مبلغ خواسته بابت خسارت محکوم کرده است؛ به علاوه در این خصوص به ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی استناد نموده که از «نحوه مداخله» هر یک از مسئولین که تعبیری از «میزان تأثیر عمل» است سخن گفته است با وجود این دادگاه در رأی خود عبارت «درجه تقصیر هر یک از عوامل» و «درجه تقصیر خواننده» را به کار برده که نظریه تقسیم مسئولیت به نسبت شدت و ضعف تقصیر را تداعی می‌کند، در حالی که مقصود دادگاه چنین نبوده بلکه تقسیم مسئولیت به نسبت میزان تأثیر عمل منظور بوده است.

ثانیاً، صرف‌نظر از ایراد لفظی فوق، رأی یاد شده دارای یک اشکال ماهوی حقوقی است و آن اینکه دادگاه بدون توجه به مواد ۳۳۶ و ۳۶۵ قانون پیشین مجازات اسلامی که در زمان صدور رأی (۱۳۹۰/۱۲/۲۳) لازم‌الاجرا بوده و نیز بدون در نظر گرفتن رأی وحدت رویه مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ که در آن زمان لازم‌الاتباع بوده، اقدام به صدور رأی کرده و تقسیم مسئولیت بر مبنای نظریه میزان تأثیر عمل (تقصیر) را پذیرفته و به قاعده تقسیم به تساوی مطلق، که در آن زمان قابل اعمال بوده، اشاره نکرده است، هر چند که در عمل با حکم به پرداخت ۵۰٪ خسارت به وسیله زیان دیده به همان نتیجه رسیده است، در نتیجه رأی، قابل قبول ولی از لحاظ استدلال قابل ایراد است.

باید یادآور شد که قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با این که به تبعیت از فقه اسلامی نظریه تقسیم به تساوی را پذیرفته و آن را به نحوی تقدیر کرده است، زیرا ماده ۵۲۶ قانون مزبور پس از اعلام اصل تقسیم به تساوی به عنوان استثنا به مقرر داشته است «... مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر

رفتارشان مسئول هستند ...» بنابراین در حقوق امروز دادگاه اصولاً باید تقسیم به تساوی را رعایت کند، مگر اینکه ثابت شود که رفتار یا تقصیر یکی از عوامل بیشتر از رفتار یا تقصیر عوامل دیگری مؤثر بوده که در این فرض مسئولیت به نسبت میزان تأثیر رفتار آنان تقسیم خواهد شد. به نظر می‌رسد این راه حل نیز کار دادرس را با رعایت اصل تساوی آسان می‌کند و همچنین به لحاظ این که در صورت اثبات تفاوت تأثیر رفتار عاملان در ایراد ضرر، هر یک را مسئول خسارت ناشی از عمل خود می‌داند، با عدالت و انصاف سازگار است.<sup>۱</sup>

#### ب - شرط عدم مسئولیت و نقش تقصیر عمدی یا سنگین در آن

اعتبار شرط عدم یا تحدید مسئولیت، در باب مسئولیت قراردادی، براساس اصل حاکمیت اراده پذیرفته شده است ولی در مسئولیت قهری، محل بحث و اختلاف است.<sup>۲</sup> با وجود این هرگاه نقض قرارداد، تقصیر عمدی یا سنگین باشد که در حکم تقصیر عمدی است، نمی‌توان شرط عدم مسئولیت را معتبر دانست؛ زیرا این برخلاف نظم عمومی است که شخصی به عمد (با سوءنیت) به قصد اضرار به طرف دیگر، قرارداد را نقض کند و در عین حال در پناه شرط عدم یا تحدید مسئولیت از جبران خسارت معاف باشد. اگر شرط عدم مسئولیت مطلق باشد، آن را با تفسیر اراده طرفین، باید به مواردی حمل کرد که نقض قرارداد، تقصیر عمدی یا سنگین به شمار نیاید.

در رأی صادره، دادگاه، استناد خوانده به شرط عدم مسئولیت را به استناد تقصیر عمدی یا در حکم عمدی خوانده رد کرده است.

اینک نخست مفهوم تقصیر عمدی و تقصیر سنگین و سپس تأثیر این گونه تقصیر در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. همان، ص ۳۷.

۲. دکتر صفائی و دکتر رحیمی، مسئولیت مدنی، ص ۱۰۹ و ۱۳۱.

۱- مفهوم تقصیر عمدی و تقصیر سنگین: که فعل یا ترک فعل به قصد اضرار یا با سوءنیت می‌باشد روشن است اما تقصیر سنگین یا در حکم عمدی چیست و چرا تقصیر سنگین در حکم عمدی تلقی شده است؟

در مفهوم تقصیر سنگین اتفاق نظر وجود ندارد و تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است که از جمله آنها تعاریف زیر است:

- تقصیر سنگین، تقصیری است که مظهر عدم مهارت یا غفلت شدید و در حدی شگفت است؛ نه قصد اضرار در میان است و نه سوء نیت؛ ولی آنچنان بی‌مبالاتی وجود دارد که گویا عمل، عمدی انجام گرفته است (کاربینه، حقوقدان بنام فرانسوی)

- تقصیر سنگین، تقصیری نه عمدی و نه ارادی، ولی سخت فاحش است؛ مرتکب آن، ایراد ضرر یا عدم اجرای قرارداد را نخواسته، ولی آنچنان رفتار کرده که گویا آن را خواسته است (مازوها، حقوقدان بزرگ فرانسوی در کتاب دروس حقوق مدنی)

- عدم درک چیزی که همگان درک می‌کنند (اولپین، حقوقدان رومی) یا جهل به اموری که کم‌هوش‌ترین اشخاص ادراک می‌کنند و ترک تدابیری که کم‌دقت‌ترین افراد اتخاذ می‌نمایند. (مؤلفان حقوقی قدیم فرانسه)

- تجاوز شدید از معیار عادی رفتار یا تقصیری شدیدتر از تقصیر عادی (آراء دادگاه‌های امریکا).<sup>۱</sup>

چنانچه ملاحظه می‌شود این تعاریف و امثال آنها کلی هستند و معیار دقیقی برای تشخیص تقصیر سنگین از تقصیر عادی و سبک به دست نمی‌دهند و تشخیص آن در هر حال با دادگاه است.

---

۱. برای توضیح بیشتر ر.ش. دکتر سید حسین صفائی، «مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت» مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ سوم ۱۳۹۲، ص ۴۲۷ به بعد.

در آراء دادگاه‌های فرانسه معیارهایی جهت تشخیص تقصیر سنگین به کار رفته است؛ از جمله معیارهای زیر:

- فاحش بودن تقصیر، مانند موردی که در کشتی، روغن در کنار بسته‌های پارچه گذارده شده و پارچه‌ها آسیب دیده‌اند.
- اساسی بودن تعهد نقض شده، مانند تحویل کالا توسط متصدی حمل به شخصی که سمت لازم جهت دریافت آن را نداشته است.
- تکرار عمل تخلف‌آمیز، مانند تکرار سرقت نزد امین
- مهارت حرفه‌ای متخصص که انتظار مراقبت بیشتری به وجود می‌آورد، به دیگر سخن در برخی آراء فرانسوی، همه‌ی اعمال مراقبت مورد انتظار از سوی اشخاص حرفه‌ای و متخصص، تقصیر سنگین به شمار آمده است.<sup>۱</sup>
- گفتنی است که تقصیر اشخاص متخصص نه تنها در حقوق فرانسه تقصیر سنگین به شمار آمده است، بلکه در حقوق انگلیس و امریکا نیز در مورد اشخاصی که به لحاظ تخصصشان طرف قرارداد واقع می‌شوند سخت‌گیری بیشتری شده است؛ بدین معنی که در برخی آراء، فقدان دقت و مراقبت در حد مورد انتظار از سوی آنان موجب مسئولیت مدنی تلقی گردیده است، هرچند که آن اندازه از بی‌مبالاتی و اهمال از اشخاص عادی موجب مسئولیت نباشد.<sup>۲</sup>

همین معیار تخصص، رأی شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران را توجیه می‌کند؛ زیرا در رأی مذکور چنین آمده است: «انجام ندادن تکالیف قانونی و تعهدات مصرحه یا ضمنی قرارداد خود تقصیر محسوب می‌گردد، علی‌الخصوص که در مشاغلی مثل انبارداری، ضرورت رعایت مقررات ایمنی و اقدامات پیشگیری‌کننده از سوی مالک یا موجر برجسته بوده و مراقبت و دقت مضاعفی را ایجاب می‌نماید...» ظاهراً مقصود بر این است که انبارداری یک کار تخصصی است که مراقبت و دقت ویژه‌ای را ایجاب می‌کند و فقدان این

۱. همان، ص ۲۳۰ به بعد.

۲. همان، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

دقت و مراقبت نوعی تقصیر سنگین یا به تعبیر دادگاه «در حکم عمدی» به شمار می‌آید و از این رو علی‌رغم شرط عدم مسئولیت، موجب مسئولیت است. اما چرا تقصیر سنگین در حکم تقصیر عمدی به شمار آمده است؟ در پاسخ گفته‌اند: اگر تقصیر سنگین در حکم عمدی نباشد، ممکن است متعهد عمداً قرارداد را نقض کند و چون اثبات عمد، که امری درونی است، دشوار می‌باشد، لذا از مسئولیت معاف می‌گردد. به دیگر سخن، الحاق تقصیر سنگین به تقصیر عمدی مانع از آن است که دارنده سوء نیت خود را به نادانی و جهالت زند و در پناه آن از مسئولیت دور بماند. مازوها مولفان به نام فرانسوی گفته‌اند: «نباید اجازه داد که خبثت، نقاب ساده حماقت بر چهره زند.»

به هر حال آنان که تقصیر سنگین را در حکم تقصیر عمدی می‌دانند، شرط عدم مسئولیت را در صورت ارتکاب تقصیر سنگین نیز بر خلاف نظم عمومی و باطل می‌دانند.

## ۲- تقصیر سنگین در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی

تقصیر عمدی و تقصیر سنگین و نقش آن در ختشی کردن شرط عدم مسئولیت و به تعبیر دیگر مسئولیت متعهد در نقض قرارداد به علت ارتکاب تقصیر عمدی یا سنگین، علی‌رغم شرط عدم مسئولیت، در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا پذیرفته شده و در آراء دادگاه‌ها منعکس گردیده است و در توجیه آن علاوه بر استناد به نظم عمومی گفته‌اند: هرگاه متعهد مسئول تقصیر عمدی (یا آنچه در حکم عمدی است) نباشد، در واقع اجرای قرارداد بستگی به میل و تصمیم یک‌جانبه او خواهد داشت و به تعبیر دیگر او آزاد خواهد بود قرارداد را اجرا کند یا نکند و این گونه شرط با طبیعت قرارداد ناسازگار و باطل است.<sup>۱</sup>

در برخی از اسناد بین‌المللی نیز به عدم اعتبار یا عدم نفوذ چنین شرطی در صورت ارتکاب تقصیر عمدی یا در حکم عمدی اشاره شده است؛ مانند کنوانسیون ورشو راجع به حمل و

نقل دریایی مورخ ۱۹۲۹؛ پروتکل لاهه راجع به اصلاح ماده ۱۵ کنوانسیون ورشو؛ کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مورخ ۱۹۷۶؛ کنوانسیون بین‌المللی راجع به حمل و نقل با راه‌آهن مورخ ۱۹۶۵ و کنوانسیون بین‌المللی راجع به حمل و نقل زمینی مورخ ۱۹۵۶.<sup>۱</sup>

اما در حقوق ایران یک قانون عام در این زمینه دیده نمی‌شود و آراء قضایی هم در این زمینه نادر است. البته جای خوشوقتی است که رأی شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی به این قاعده تصریح کرده است.

در دکترین ایران و کتب حقوقی معتبر نیز قاعده یاد شده پذیرفته شده است.<sup>۲</sup> وانگهی در قوانین موضوعه ایران موارد خاصی وجود دارند که از ملاک آنها می‌توان قاعده مذکور را استنتاج کرد: در ماده ۱۱۶ و بند ۳ ماده ۱۲۱ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۴ به عدم جواز استناد به شرط تحدید مسئولیت متصدی حمل در صورتی که «عامداً یا با علم به احتمال وقوع خسارت» فعل یا ترک فعل زیان‌آور عملی انجام داده باشد؛ اشاره شده است، علم به احتمال وقوع خسارت تعبیری از تقصیر سنگین یا از مصادیق آن است.

در ماده ۳۹۱ قانون تجارت عدم مسئولیت متصدی حمل در صورتی که مال استجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن پرداخت شود مقرر گردیده است ولی ماده مزبور تدلیس یا تقصیر عمده را استناد کرده که ظاهراً مقصود از تدلیس در اینجا تقصیر عمدی<sup>۳</sup> و مراد از

۱. برای توضیح بیشتر ر.ش. همان، ص ۴۴۰ به بعد.

۲. دکتر ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی جلد اول، چاپ نهم انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ش ۳۲۲، ص ۵۸۲ به بعد. دکتر سید حسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، قواعد عمومی قراردادها، چاپ هفدهم، ۱۳۹۲، ص ۲۲۱ به بعد. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ج ۱، انتشارات مدرسه عالی امور قضایی و اداری قم، ۱۳۵۴، ش ۴۲۰، ص ۳۲۳ و ۳۲۴. دکتر محسن ایزانلو، شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، ش ۱۲۷ به بعد، ص ۱۵۹ به بعد.

۳. به نظر می‌رسد که کلمه تدلیس در این ماده ترجمه واژه dol در حقوق فرانسه است. این اصطلاح هنگامی که برای عمل فریبنده در زمان انعقاد قرارداد به کار رود به معنی تدلیس و هنگامی که در رابطه با اجرای قرارداد استعمال شود به معنی تقصیر عمدی است، چنانکه در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه نیز کلمه dol به تقصیر عمدی تفسیر شده است.



تقصیر عمده همان تقصیر سنگین است.<sup>۱</sup> به هر حال تشدید مسئولیت متصدی حمل و عدم امکان استناد او به تحدید مسئولیت به علت تحویل کالا و پذیرش با قید و شرط آن و پرداخت کرایه در فرض ارتکاب تقصیر عمدی را سنگین از این ماده قابل استنباط است.

ماده ۶ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۸۷ نیز در صورت اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه یا مواردی که در حکم عمد است مانند رانندگی در حال مستی یا استعمال مواد مخدر، به شرکت بیمه اجازه داده است که پس از پرداخت خسارت زیان دیده جهت استرداد تمام یا بخشی از وجوه پرداختی به قائم مقامی زیان دیده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید، در حالی که در موارد دیگر حق رجوع به راننده مسبب حادثه را ندارد. این ماده حاکی از تفاوت تقصیر عمدی یا در حکم عمدی از لحاظ مسئولیت در نظر قانونگذار است. با این که این ماده مربوط به مسئولیت قهری است، با توجه به وحدت بنیادی مسئولیت قهری و مسئولیت قراردادی می‌توان به ملاک آن در مسئولیت قراردادی استناد کرد.

به هر حال از موارد قانونی فوق، با توجه به وحدت ملاک قاعده عدم اعتبار یا عدم تأثیر شرط عدم مسئولیت در صورت ارتکاب تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین قابل استنباط است و انگهی می‌توان گفت این اصل کلی است که دادگاه‌ها می‌توانند با عنایت به ماده ۳ قانون جدید آیین دادرسی مدنی به آن استناد نمایند. همان‌طور که به درستی مورد توجه و استناد شعبه ۱۸۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رأی یاد شده واقع شده است.

### جمع بندی

رأی مورد بحث دارای نکات قابل توجهی است. البته نقاط قوت آن بیشتر از نقاط ضعف است.

---

۱. آقای دکتر جعفری لنگرودی هم تقصیر عمدی را مترادف با تقصیر سنگین دانسته‌اند (مبسوط در ترمینولوژی، ج ۲، اصطلاحات تقصیر عمده و تقصیر سنگین)

صرف نظر از اشکالات ادبی، ایراد عمدہ رأی، اشاره به قاعده مطلق و بدون استثنای تقسیم مسئولیت به تساوی بین عاملان متعدد خسارت است.

قاعده‌ای که در زمان صدور رأی لازم‌الاجرا بوده و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ نیز به آن تصریح نموده است. هر چند که امروزه با عنایت به ماده ۵۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی، به اعتقاد ما قابلیت اجرایی ندارد. اما نقاط قوت رأی در توجه به رابطه سببیت و استناد عرفی ضرر به چند عامل و مسئول شناختن همه آنان و به ویژه در پذیرش عدم اعتبار یا عدم تأثیر شرط عدم مسئولیت به علت تقصیر عمدی یا در حکم عمدی (تقصیر سنگین) و هنگامی با دکتترین در این خصوص بوده که می‌توان آن را تحولی مطلوب در آراء قضایی به شمار آورد.